

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



المیزان و منطق تاریخ‌نگاری اسلامی

*سیدرضا هاشمی شاه قبادی،^۱*سیدجواد هاشمی فیض،^۲ بتول السادات هاشمی.^۳

چکیده

علامه طباطبایی در میان اندیشمندان معاصر در حوزه پیشرفت، تولید و نظریه‌پردازی علوم اسلامی دارای جایگاه ممتازی است. تفسیر المیزان به علت وسعت و جامعیت، جهت معرفی دیدگاه‌های ایشان جایگاه ویژه‌ای داشته و دارد. منطق تاریخ‌نگاری اسلام به معنای نیازمندی تاریخ‌نگار به معرفی و شناخت معیارها و سنجه‌هایی برای مصونیت از خطا در مسیر تاریخ‌نگاری است، که رویکرد تربیتی و هدایتی دارد. تحقیق حاضر به شیوه‌ی کتابخانه‌ای گردآوری و با روش تحلیلی-توصیفی سعی شده به بررسی منطق المیزان در تاریخ‌نگاری اسلام بپردازد. فرضیه بر آن است که علامه طباطبایی به تبیین روش قرآن در زمینه تاریخ‌نگاری اسلام، پرداخته است این پژوهش در پی معرفی در بحث منطق تاریخ‌نگاری اسلام از دیدگاه المیزان، روش‌ها و رویکردهای تاریخ‌نگاری اسلامی است. المیزان با اتخاذ رویکرد منطق تاریخ‌نگاری اسلام، از روش‌هایی چون گزینش، هدفمند بودن گزارش‌ها، انتقال از گزارشی ناتمام به گزارشی دیگر، عدم ذکر جزئیات پیرامونی و بیان قوانین کلی برگرفته از گزارش‌ها بهره برده است. صحت و اتقان این روش‌ها با سنجه‌هایی چون هدف‌داری، اعتبارسنجی و کارآمدی دیده شده است.

کلیدواژه: المیزان، علامه طباطبایی، منطق تاریخ، تاریخ‌نگاری، تاریخ اسلام.

۱. جامعه المصطفی العالمیه، دانشجوی دکتری تاریخ اهل بیت، قم، ایران، (نویسنده مسئول)

s12.hashemi@gmail.com

۲. مدرسه علمیه شهید مصطفی خمینی (ره) تاکستان، سطح چهار حوزه، قزوین، ایران. g.hashemi46@gmail.com

۳. مدرسه علمیه ایمانیه، تاکستان، کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن، قم، ایران.

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



مقدمه

علامه سید محمد حسین طباطبائی (ره) یکی از برجسته ترین اندیشمندان معاصر که در حوزه مطالعات اسلامی و معارف دینی نقش به سزایی داشته است. مکتب فکری ایشان، پس از انقلاب اسلامی، یکی از مهم ترین و تأثیرگذارترین پایگاه های اندیشه و تفکر مجامع علمی حوزوی و دانشگاهی است. در میان آثار علامه طباطبایی، تفسیر المیزان بسان دایره المعارفی جامع، بیانگر دیدگاه ها و اندیشه های این متفکر بزرگ است. پژوهش پیشرو تلاش می کند با تکیه بر آراء و دیدگاه های علامه طباطبایی در مورد تاریخ، فلسفه تاریخ و روش تاریخی، دیدگاه ایشان را در مورد منطق تاریخ نگاری اسلام تبیین نماید. ایشان دیدگاه خویش را برگرفته از قرآن و مستند بدان می داند. قرآن کریم، با وجود این که کتاب تاریخی نیست، اما برای هدف های تربیتی خود به ذکر برخی از حوادث تاریخی مانند زندگی پیامبران و امت های گذشته و حوادث عصر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) پرداخته است. قرآن در بیان این رخدادها، روشی خاص دارد و اجمال و تفصیل، آغاز و انجام مطلب و استخدام واژگان، همگی تابع اهداف تربیتی و هدایتی است.

فراوانی آیاتی که به وقایع تاریخی اشاره می کند از یک سو و توجه و گزارش وقایع عصر نزول از سوی دیگر، بیانگر تاریخ نگاری قرآن است^۱، اهمیت تاریخ نگاری قرآن از این روست که؛ قرآن مهم ترین برنامه جامع برای سعادت دنیوی و اخروی بشر برای همیشه است. مفسران می توانند به یاری گزاره های تاریخی قرآن، تفسیر و تحلیل درستی از موضوعات قرآنی و شناخت و تحلیل عصر نزول ارائه کنند. اندیشه ی راهبردی علامه طباطبایی در این موضوع؛ فهم و تحلیل گزارشات تاریخی منوط به پذیرش اعتبار و اهمیت «تاریخ» و شناخت و کاربری منطق قرآن در گزارش و پردازش تاریخی است. این پژوهش در راستای معرفی دیدگاه این اندیشمند نامی در موضوع منطق تاریخ نگاری است. باید یادآوری کرد که تاریخ نگاری اسلام در المیزان به صورت پیش فرض مورد پذیرش است و از همین رو کمتر به اثبات آن پرداخته شده است. برخی از منابعی که بدان اشاره دارند؛ درسنامه روش ها و گرایش های تفسیری قرآن از آقای محمد علی رضایی اصفهانی، تاریخ از دیدگاه قرآن از محمد تقی مصباح یزدی و فلسفه تاریخ از جواد سلیمانی یا مقاله احمدیان دلاویز، حسن، الوری، محسن «اعتبار سنجی تاریخ از منظر علامه طباطبائی در تفسیر المیزان» مطالب ارزنده ای ارائه کردند.

۱. مفهوم شناسی

مفهوم شناسی به صورت مقایسه ای بین دیدگاه المیزان و دیگر اندیشمندان دیده شده است. روش مقایسه ای؛ علاوه بر شناخت دقیق، تفاوت ها و امتیازات را می شناساند. مفاهیم؛ تاریخ، منطق تاریخ و تاریخ نگاری در ادامه بررسی می شود.

۱-۱. مفهوم تاریخ

تاریخ در لغت به معنای تعیین زمان است. «أرخ الكتاب وأرخه»، یعنی زمان نگارش نامه یا کتاب را ثبت کرد (فیروزآبادی، ۳۵۳/۱). «تاریخ کل شیء غایت و وقتة الذی ینتهی إلیه» (زبیدی، ۲۵/۴).

تاریخ به مفهوم عام، مجموعه احوالی است که در زمان گذشته تحقق یافته است (العروی، ۳۴/۱). مفهوم اصطلاحی تاریخ نیز با معنای لغوی آن پیوستگی معنایی دارد. استعمال لفظ تاریخ، ممکن است منظور، دانش تاریخ باشد بعنوان علم و یا منظور، حوادث و وقایع انسانی گذشته باشد که موضوع علم تاریخ است. گاه تاریخ، ناظر به وقایع گذشته است و گاهی ناظر به مطالعه و بررسی گذشته (اتکینسون، استنفورد و دیگران / ۲۴).

به عبارتی، تاریخ عبارت است از؛ چیزی که اتفاق افتاده (موضوع تاریخ) و تصویر ذهنی آن (دانش تاریخ). تاریخ در شکل اول، مجموعه ای از رویدادها یا موقعیت های عینی با وجودهای قابل شناسایی و قابل تشخیص، واقع شده در زمان و مکان معین است. تاریخ در مرحله دوم عبارت از ذخیره، یادآوری، بازآفرینی، بازفهم رویدادها و تأثیر آن ها بر شیوه برخورد با رویدادها و موقعیت های کنونی است (استنفورد / ۴۲۱).

۲-۱. تعریف تاریخ از دیدگاه علامه طباطبایی

۱. برای آشنایی با تاریخ اسلام در قرآن ر.ک: یعقوب جعفری، تاریخ اسلام از منظر قرآن، دفتر نشر معارف، چ چهارم، تابستان ۱۳۸۹.

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



المیزان ذیل «بحثی در تاریخ و وجه اهتمام قرآن به آن» به تعریف و تاریخچه علم تاریخ اشاره کرده است. ایشان، تاریخ را به دو نوع تاریخ نقلی و زمینی [باستان‌شناسی] تقسیم نموده است. از دیدگاه علامه «تاریخ» بر وزن تعریف، مصدر و به معنای شناخت حوادث، علت و زمان پدید آمدن آن همراه با مطالعه و بررسی آثار آنهاست، همان باستان‌شناسی و یا طبقات الارض، اما تاریخ نقلی؛ ضبط حوادث کلی و جزئی، نقل و گفت‌وگو پیرامون آن است (طباطبایی، ۳۰۶/۲). فراز «نقل و گفت‌وگو پیرامون آن» را می‌توان وجه تحلیلی تاریخ دانست.

علامه طباطبایی در مورد تاریخچه علم تاریخ بیان می‌دارند؛

« باید دانست که بشر از قدیم‌ترین عهد زندگی و زمان وجودش در زمین به ضبط حوادث اهمیت می‌داده و تا آنجا که ما می‌دانیم در هر عصری از اعصار عده‌ای یا به ذهن می‌سپردند و یا یادداشت نموده و یا کتاب تألیف می‌کرده‌اند و عده‌ای دیگر هم آنچه را که آنان ضبط کرده بودند، دست‌به‌دست می‌گرداندند و پیوسته انسان در جهات مختلف زندگی خود از تاریخ استفاده می‌کرده، یا در طرز تشکیل اجتماع از تاریخ الگو برمی‌گزیده و یا از سرگذشت گذشتگان عبرت می‌گرفته و یا داستان‌سرایی می‌کرده و یا با نقل آن شوخی و تفریح می‌کرده و یا در مسائل سیاسی، اقتصادی، صنعتی و یا غیر آن مورد استفاده قرار می‌داده‌اند.» (همان)

علامه طباطبایی مباحث تاریخی قرآن را از نوع تاریخ نقلی برمی‌شمرد؛ اما با توجه به تفاوت آن با دیگر منابع تاریخی مانند؛

۱- ویژگی‌های خاص نویسنده- خداوند- حق‌گویی، حکمت و علم بدون خطا.

۲- ویژگی متن قرآن؛ عدم تحریف و انحراف در آن و جاودانگی (همان، ۱۶۷/۷-۱۶۵).

۳- ویژگی روشی تاریخ‌نگاری قرآن؛ هدف‌داری و کارآمدی.

۴- رویکرد تاریخ‌نگاری قرآن؛ در این رویکرد، تاریخ به هر رویدادی توجه ندارد. جزئیات وقایع دارای ارزش نسبی هستند. تمامی مراحل تولید، ثبت و انعکاس تاریخ، تابع قوانین و ارزش‌های تعریف‌شده و تثبیت‌شده است.

در مجموع علامه «علم تاریخ» را این‌گونه تعریف می‌کند: علمی‌آلی و روشمند با معیارها و سنج‌های مشخص که با رویکردی جانب‌دارانه اما آگاهانه به ثبت و گزارش رویدادهای کارآمد در دست‌یابی به هدف‌غایی و عالی‌بشر - یعنی سعادت - می‌پردازد.

۳-۱. تاریخ‌نگاری

تاریخ‌نگاری تلاش هوشیارانه و هدفمند برای ثبت و انتقال رویدادهای گذشته در قالب گفتمانی متغیر و مطابق با روش‌های قابل‌شناسایی که به لحاظ مواضع معرفت‌شناسی، روش‌شناسی، ایدئولوژیک و عملی تثبیت‌شده‌اند، است (رک: جنکینز، ۱۰۳-۱۰۴).

تاریخ‌نگاری فقط ثبت رویداد نیست. تحلیل و سنجش رویدادها، کشف علت‌ها و تعمیم‌نتایج آن‌ها، تنظیم پی‌رفت‌ها، قیاس موقعیت‌ها، درک نقش و کنش افراد و گروه‌ها، کشف منافع مادی و نظایر این فعالیت‌ها همه و همه در تاریخ‌نگاری نقشی بسزا دارد (همان، ص ۶۷). وجه‌تمایز دیدگاه‌المیزان، توجه به مؤلفه‌های دیگری علاوه بر تمامی این مؤلفه‌ها، در تاریخ‌نگاری است. توجه به منافع و نتایج معنوی و اخلاقی، توجه به عوامل غیرمادی، اهمیت خطاناپذیری گزاره‌های تاریخی قرآن و مصونیت از تحریف از ویژگی‌هایی است که در تاریخ‌نگاری در المیزان دیده شده است.

در مجموع؛ تاریخ‌نگاری در دیدگاه‌المیزان، تلاش هوشیارانه و هدفمند جهت ثبت و انتقال رویدادها در قالب گفتمانی سازنده و مطابق با روش‌های قابل‌شناسایی و تثبیت‌شده از لحاظ مواضع معرفت‌شناسی، روش‌شناسی، ایدئولوژیک و عملی است که به منافع و نتایج معنوی و اخلاقی گزارشات و نقش علل غیرمادی در پدیده‌ها توجه داشته و آنها را در روش تاریخ‌نگاری، لحاظ کرده است.

۲. منطق تاریخ‌نگاری اسلام

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



«منطق تاریخ‌نگاری اسلام» عنوانی مرکب از دو مفهوم «منطق» و «تاریخ‌نگاری» است. منطق در لغت به معنای روش و شیوه خاص برای تفاهم بین دو چیز است (مصطفوی، ۱۷۹/۱۲-۱۸۳). منطق در اصطلاح و کاربرد متفاوت است. گاه منظور از منطق، علم‌منطق است و گاه به معنای روش می‌باشد که در این مورد بیشتر به صورت مضاف بکار گرفته می‌شود. به‌طور کلی می‌توان گفت؛ منطق هر علم، عبارت‌است از روش‌ها، معیارها و سنجه‌های آن علم که مراعات آن‌ها، از خطای در آن علم جلوگیری می‌کند (رک: رضایی‌اصفهانی، ۱۲). به‌دیگر عبارت منطق؛ انتخاب روش و شیوه‌ی انجام یک کار بر اساس معیارها و بایدها و نبایدهای اندیشه‌شده، است. در پژوهش‌پیشرو، «منطق» از سویی خالی از فلسفه تاریخ نیست چراکه شامل معیارها و سنجه‌هاست؛ و از دیگر سو نیز ناظر به شناخت و معرفی روش‌ها و رویکردهای تاریخ‌نگاری است. «تاریخ‌نگاری» مرادف و همسان با وقایع‌نگاری است که به تولید منبع تاریخی می‌انجامد. تفاوت تاریخ‌نگاری در میزان این است که؛ اولاً منبع اصلی گزارش‌ها خداست و ثانیاً روش‌ها و رویکردهای میزان در تاریخ‌نگاری اسلام برگرفته و مطابق با روش‌ها و رویکردهای قرآنی است. تحقیق پیشرو تاریخ را در محدوده زمانی پس از اسلام در نظر گرفته‌است، هرچند در میزان، تاریخ قبل از اسلام نیز مورد توجه بوده‌است.

در مجموع؛ منطق تاریخ‌نگاری اسلام در دیدگاه میزان، عبارت‌است از روش‌ها، معیارها و سنجه‌هایی که مراعات آن‌ها، از خطای در مسیر تاریخ‌نگاری جلوگیری می‌کند.

باتوجه به موضوع، تأکید بر معرفی روش‌ها و رویکردهای میزان در تاریخ‌نگاری اسلام است، به‌عنوان مقدمه؛ معیارها و سنجه‌های این روش‌ها و رویکردها نیز معرفی می‌شود.

۱-۲. سنجه‌های تاریخ‌نگاری

روش‌شناسی پژوهش تاریخی، عنصرگزینش، پیش‌بینی در تاریخ، امکان یافتن قانونمندی‌ها، دخالت ارزش‌ها در قضاوت‌ها، تئوری‌ها و مدل‌ها، امکان تجربه و تفاوت علم تاریخ با دیگر علوم (سلیمانی، ۳۵) و همچنین مسائلی مانند امکان دست‌یابی به حقیقت و امکان داوری در تاریخ، معمولاً در فلسفه علم تاریخ مطرح می‌شود؛ مسائلی که گاه به منطق پژوهش تاریخ و گاه به اعتبار و علمیت تاریخ بازمی‌گردد (همان، ۳۱). موارد برشمرده در انتخاب منطق-روش-تاریخ‌نگاری، نقشی اساسی و تعیین‌کننده دارد. در میزان، علاوه بر این موارد، معیارهایی چون هدف‌داری، اعتبارسنجی و کارآمدی تاریخ، دیده‌شده و جزء مواردی است که در استحکام و گزینش منطق تاریخ‌نگاری مورد توجه است. از این رو، میزان به بحث اعتبار‌گزاره‌های تاریخی قرآن در برابر دیگر گزاره‌ها و دست‌یابی به حقایق تاریخی پرداخته‌است. به طوری که در موارد تعارض، گزارش‌های تاریخی قرآن را با توجه به ویژگی‌ها، مطابق با واقع و صحیح برمی‌شمرد (طباطبایی، ۳۰۸/۲).

۲-۲. منطق پژوهش تاریخ از دیدگاه میزان

میزان با توجه به هدف تفسیری خویش به مؤلفه‌های مهم منطق پژوهش تاریخ چون عنصرگزینش در تاریخ (همان)، پیش‌بینی در تاریخ، امکان یافتن قانونمندی‌ها (همان، ۱۰۸/۱۰) و دیگر مؤلفه‌ها پرداخته‌است. بی‌جوبی این مؤلفه‌ها، معیارها و سنجه‌هایی را معرفی می‌کند.

۲-۲-۱. هدف‌داری

«هدف» مهم‌ترین معیار معرفی و سنجی شناخت صحت و وقت‌عمل است. تاریخ‌نگاری نیز از این قاعده مستثنا نیست. علامه طباطبایی هدف قرآن از پرداختن به تاریخ را هدایت بشر می‌داند. هدف تاریخ‌نگاری در میزان نیز به پیروی از منطق قرآن، هدایت و تربیت انسان متعهد است. برآیند این‌گونه هدف‌گذاری به آلی بودن علم تاریخ و نه غایی بودن آن، می‌انجامد. هدایت و تربیت، علت انتخاب منطق قرآنی توسط میزان و مهم‌ترین معیار تفاوتش با دیگر منابع است. که در ادامه به آن اشاره شده‌است؛

قرآن اصلاً کتاب تاریخ نیست و منظورش از نقل داستان‌های خود، قصه‌سرایی مانند کتب تاریخ و بیان تاریخ و سرگذشت نیست، بلکه کلامی الهی در قالب وحی و به منظور هدایت خلق به سوی رضوان خدا و راه‌های سلامت است و به همین جهت هیچ‌فصلی با تمام جزئیات نقل نشده و از هر داستان، نکات متفرقه‌ای که مایه عبرت و تأمل و یا آموزنده حکمت و موعظه‌ای

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



است و یا سودی دیگر از این قبیل دارد را نقل می‌کند ... این نکته در تمامی داستان‌هایی که در قرآن آمده، مشهود است... (همان، ۳۰۸/۲)

در دیدگاه علامه هدف‌داری تاریخ‌نگاری در موارد ذیل مصادق می‌یابد؛

- ۱- عبرت، حکمت‌آموزی و موعظه
- ۲- دعوت مردم به تفکر (همان).
- ۳- تقویت روحی جامعه مسلمان و ایجاد نشاط در آن‌ها
- ۴- تضعیف جامعه کافران با بیان پیامد اعمالشان (همان، ۶/۱۶).

منبع اصلی گزارش‌های تاریخی‌المیزان، قرآن است؛ اما از دیگر منابع نیز بهره برده‌است و به همین جهت به معرفی معیار «اعتبارسنجی تاریخ» پرداخته‌است. این سنج در گزینش، تحلیل و تاریخ‌نگاری، نقشی به‌سزا دارد.

۲-۲-۲. اعتبارسنجی

مرحوم علامه باذعان به شرافت و فواید علم تاریخ، در مورد اعتبار گزارش‌های آن به عوامل و موانع خدشه‌ی این اعتبار، اشاره کرده؛

۱. دخالت منابع قدرت در تاریخ و یا به عبارتی دخالت سیاست و حکومت‌های خودکامه (همان، ۳۰۶/۲).
۲. دخالت احساسات و تعصب‌های شخصی و غیرشخصی مورخین (همان).
۳. تفاوت اعتبار و قدرت وسایل و امکانات انتقال و ضبط رویدادهای گذشته (همان، ۳۰۷/۲).

المیزان باتوجه به این، تصریح می‌کند؛ این نوع از تاریخ‌نگاری، کارایی خویش را از دست نداده و چون قرآن، به همه حوادث تاریخی اشاره نکرده و یا به صورت جزئی بدان پرداخته، به‌ناچار در موارد با وجود شرایط لازم و قرائین صحت- باید به دیگر گزارش‌ها نیز اعتنا کرد (همان، ۳۰۸/۲).

المیزان ویژگی‌های مؤلف قرآن، قالب‌و‌حیانی، مصونیت از تحریف و عدم امکان دخالت و انحراف جریان‌های قدرت انسانی در گزارش‌های تاریخی آن را به‌عنوان دلایل صحت تاریخ‌نگاری الهی برمی‌شمرد. برآمد این ویژگی‌ها، اعتبار بیرونی و فرادستی گزارش‌های تاریخی قرآن در برابر دیگر گزارش‌هاست. المیزان در مباحث تاریخی توجه می‌دهد که؛ تمامی ضعف‌های تاریخ‌نقلی بشری به ضعف شخصی مورخین و یا دخالت دیگر موانع برمی‌گردد که در مورد قرآن وجود ندارد. از این رو مهم‌ترین شرط و قرینه صحت دیگر گزارش‌ها در برابر گزارش‌های قرآنی؛ مطابقت و همگرایی این دو است. پس در موارد تعارض، گزارش‌های قرآنی معتبرند. ایشان در تبیین اعتبار گزارش‌های تاریخی قرآن در مقایسه با گزارش‌های انسانی، چنین می‌گوید؛

قرآن کتاب تاریخ و رمان نیست بلکه کتاب‌عزیزی است که نه در آن باطلی هست و نه بعدها دست دسیسه‌بازان، می‌تواند باطلی را در آن راه دهد، این قرآن است که خود را در آیات‌زیادی چنین توصیف می‌کند: قرآن جز حق نمی‌گوید و بعد از حق چیزی جز گمراهی نیست، قرآن کتابی است که هیچ‌وقت به‌منظور حق و هدایت به آن، کمک از داستان‌های باطل و گمراه‌کننده نمی‌گیرد، قرآن کتابی است که به‌سوی حق و راه‌راست هدایت می‌کند، آنچه در قرآن است، حجت است برای کسی که به آن تمسک جوید و حجت است علیه آن‌کس که آن را ترک گوید (همان، ۱۶۶/۷).

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



در منطق المیزان تنافی با دریافت‌های عقلی^۱ و نقلی از عمده شواهد ناستواری متون تاریخی به شمار می‌رود. از سنج‌های اعتبار گزارش‌های تاریخی عدم تنافی با مبانی و دریافت‌های عقلی است. از همین‌رو مطالبی که با مبانی دینی و عقلی سازگار نیست، بی‌اعتبار بوده و شرایط صحت را ندارند.

دیگر سنج اعتبار گزارشات تاریخی در نزد المیزان همسویی و عدم تنافی با گزارشات تاریخ قطعی است که این تاریخ قطعی؛ شامل گزارشات قرآنی^۲، روایات صحیح و مسلمات تاریخی است.^۳

۲-۳-۲ کارآمدی

پس از معرفی معیارهای هدف‌داری و اعتبارسنجی، نوبت به معرفی سنج کارآمدی تاریخ می‌رسد. کارآمدی در تحلیل و نیل به هدف تاریخ بسیار اهمیت دارد. به پیروی از قرآن هدف از تاریخ‌نگاری در المیزان، تغییر و حرکت جامعه و فرد به سوی سعادت است. کارآمدی تاریخ در نظر دیگر مورخان در موارد ذیل خلاصه شده است:

۱. الگوگیری از تاریخ‌گذشتگان برای تشکیل اجتماع؛

۲. عبرت‌گرفتن از سرگذشت پیشینیان؛

۳. داستان‌سرایی؛

۴. تفریح و سرگرمی؛

۵. استفاده تاریخ در تحلیل و فهم مسائل سیاسی، اقتصادی، صنعتی و غیره (طباطبایی، ۳۰۷/۲).

کارآمدی تاریخ در دیدگاه المیزان با دیدگاه مورخان تفاوتی ماهوی دارد. المیزان در خلال تفسیر آیات تاریخی به این موضوع اشاره دارد که شاید نتوان تمامی موارد کارآمدی تاریخ‌بشری را برای گزاره‌های تاریخی تولید المیزان برشمرد بلکه موارد آن متفاوت خواهد بود. در این دیدگاه تاریخ‌نگاری اسلام، ناظر به هدف‌والایی چون هدایت و کمال انسان است، از همین‌رو مستلزم مواردی دیگر است که می‌توان موارد ذیل را به‌عنوان مهم‌ترین و اساسی‌ترین آن‌ها برشمرد:

۱. کارآمدی تاریخ برای اثبات ادعای حق خویش^۴

۱. علامه طباطبایی در علت بی‌اعتباری گزارش‌هایی که با دریافت‌های عقلی تنافی دارد، می‌نویسد: «در [کتاب‌های گذشته] و تورات و انجیل لغزشها و خطاهایی به انبیا نسبت داده، که فطرت هر انسان معمولی متفر از آن است که چنین نسبتی را حتی به یک کشیش و حتی به یک مرد صالح متعارف بدهد. [پس چگونه باید به اعتبار و صحت این گزارش‌ها قائل شد].» (همان، ج ۱، ص ۶۴)

۲. به‌طورمثال در موضوع «تاریخ‌پیدایش‌بشر» علامه طباطبایی با عرضه گزارشات تاریخی به گزاره‌های یقینی قرآنی و مقایسه آن دو گزارش، صحت گزارشات قرآنی را در مورد این که نسل بشر کنونی از آدم ابوالبشر است را نتیجه‌گیری می‌کند. در همین خصوص با توجه به گزارشات قطعی تاریخی و شواهد باستان‌شناسی تاریخ‌گذاری تورات را در مورد تاریخ‌بشر رد کرده و نقد می‌نماید. (همان، ج ۲، ص ۱۱۲ به بعد)

۳. به‌طورمثال در خصوص عدم صحت داستان‌ها و تاریخ‌زندگی حضرت سلیمان می‌نویسد: «بیشتر روایاتی که در این داستان وارد شده مطالب عجیب و غریبی دارد که نظایر آن در اساطیر هم کمتر دیده می‌شود؛ مطالبی که عقل سلیم نمی‌تواند آن را بپذیرد و بلکه تاریخ‌قطعی هم آنها را تکذیب می‌کند.» (همان، ج ۱۵، ص ۳۶۹)

همچنین المیزان در مورد سنت‌الهی [اختلاف امت‌ها بعد از پیامبرخویش بر تفسیر و تبیین آموزه‌ها] می‌گوید: «و اما اینکه دامنه این اختلاف تا زمان صحابه بعد از رحلت رسول خدا (ص) کشیده شد، تاریخ مورد اعتماد و روایات متواتره بر آن دلالت دارد، (همان، ج ۲، ص ۳۲۵) این موارد نمونه‌ای از استناد المیزان برای اثبات صحت برداشت به سنج‌هایی چون روایات متواتره و تاریخ‌قطعی است.

۴. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۱). مورد ذیل نمونه‌ای است؛ المیزان در مورد افرادی که در مباحثه با پیامبرگرامی اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) شرکت داشته‌اند به تاریخ تمسک کرده است در آنجا که گفته است: «مقصودنهایی از این نفرین این است که؛ یکی از دو طرف باهمه نفراتش از صغیر و کبیر و مرد و زن برای همیشه هلاک گردد، مفسرین هم اتفاق دارند و روایات هم متفقند، تاریخ هم مؤید است که رسول خدا (ص)، وقتی برای مباحثه حاضر می‌شد احدی به جز علی و فاطمه و حسنین (علیه السلام) را با خود نیاورد و با آوردن اینان رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) امر پروردگارش را امتثال نمود.» (همان، ج ۳، ص ۲۲۳).

اولین همایش ملی

علوم انسانی در حکمت معاصر

۲. کارآمدی تاریخ برای تنظیم‌های اهل
۳. کارآمدی مسلمات تاریخ به عنوان مصداقی از گزاره‌های یقینی^۲
۴. کارآمدی تاریخ برای آگاهی از احوال گذشتگان.^۳

hcwconf.ir



در مباحث گذشته سعی شد؛ معیارها و سنجه‌های صحت‌منطق تاریخ‌نگاری در منطق‌المیزان پی‌جویی و معرفی شود. آنچه پیش‌روست مباحث روش‌شناختی و گونه‌شناسی تاریخ‌نگاری از دیدگاه‌المیزان است.

۲-۳. روش‌های تاریخ‌نگاری

اندیشمندان، تاریخ را گزارش‌کنش‌ها و واکنش‌های انسان خوانده‌اند.

کتاب‌های تاریخی موضوع‌های بسیارمتنوعی دارند و این موضوع‌ها در مواردخاص اهداف و روش‌هایی خاص را به تاریخ‌نگار تحمیل می‌کنند(احمدی، ۱۳۸۷، ص ۱۵). منطق تاریخ‌نگاری اسلام نیز در تاریخ‌نگاری و گزارش‌وقایع، باید پایبند و پاسخ‌گوی ایدئولوژی و اهداف‌خویش باشد.

باتوجه‌به دیدگاه‌المیزان در مورد هدایت‌گری قرآن، سعی شده تا حدامکان از روش‌ها و رویکردهای قرآن‌پیروی کرده و اگر هم از روش‌های دیگر بهره برده‌است تا آنجا پیش رفته که مبانی‌معرفتی و دینی قرآن اجازه داده‌است. گزارش‌های تاریخی‌المیزان به پیروی از قرآن گونه‌های تاریخی متعددی را در برمی‌گیرد از قبیل تاریخ‌فرهنگی، تاریخ اقتصادی، تاریخ‌نظامی، تاریخ اجتماعی و تاریخ‌دینی. همچنین با رویکردهای متفاوتی به تاریخ اسلام پرداخته‌است، تاریخ محلی، تاریخ سنتی، تاریخ تطبیقی، تاریخ کمی و ... در این‌بخش سعی شده باتوجه‌به تفاوت‌های منطق تاریخ‌نگاری در المیزان و دیگر روش‌ها به معرفی آن پرداخت. تفاوت اصلی منطق تاریخ‌نگاری اسلام در المیزان، تکیه و تأکید بر گزارش‌های تاریخی قرآن با ویژگی عدم خطا و تحریف آن‌هاست. توجه به ویژگی‌های الهی مؤلف قرآن و همچنین دخالت عوامل غیرمادی در تاریخ از دیگر تفاوت‌های آشکار روش تاریخ‌نگاری اسلام در المیزان با دیگر منابع تاریخی است.

در بیشتر موارد رویدادهای تاریخی توسط تاریخ‌نگار یا افرادی که در حوزه‌ی فعالیت‌های فرهنگی، صالح تشخیص داده شده و به اصطلاح «مراجع جامعه‌ی علمی» خوانده می‌شوند، گزینش، ثبت و تدوین می‌گردد. این افراد گاه توسط بخشی از مردم یا عامه آنان و در بسیاری از موارد توسط قدرت‌های سیاسی و نظامی برگزیده می‌شوند(همان، ۱۱). اما تفاوت گزارش‌ها و انتخاب رویدادهای تاریخی قرآن با دیگر گزارش‌های تاریخی در این است که انتخاب این رویدادها و ثبت و تدوین آن‌ها، توسط خداوند متعال انجام گرفته است که دارای ویژگی‌های علم، قدرت، رحمت، حکمت و ... است(طباطبایی، ۱۶۷۷-۱۶۸). المیزان باتوجه‌به این ویژگی، گزارش‌های تاریخی قرآن را مبنای تاریخ‌نگاری اسلام خویش قرار داده است. المیزان به گزارش‌های تاریخی قرآن بسنده نکرده و برای تاریخ‌نگاری از تاریخ بشری البته با رعایت شرایط صحت و قراین استفاده نموده‌است(همان).

تفاوت بعدی در تاریخ‌نگاری اسلام از دیدگاه‌المیزان، دخالت نیروهای غیبی‌والهی در رخدادهاست که از شیوه‌های مخصوص قرآن در تاریخ‌نگاری است؛ مانند کمک فرشتگان در جنگ بدر که در آیات ۱۲۴ و ۱۲۵ سوره آل عمران آمده است (نک: طباطبایی، ۸/۴-۱۱). برخی موارد قرآن کریم از افعال مباشر و مستقیم خداوند و نقش آن در نتیجه رخداد، گزارش می‌دهد که در موارد یاری پیامبران، بسیار است. در ادامه مهم‌ترین روش‌های تاریخ‌نگاری در المیزان، معرفی شود.

۱. (طباطبایی، ج ۲، ص ۲۵). به‌طورمثال علامه طباطبایی با استناد به تاریخ این نظر را که بنی‌اسرائیل اولین قومی هستند که در تاریخ خدمتکار گرفتند، را نقد و رد می‌نماید. (نک: همان، ج ۵، ص ۲۹۵)

۲. هرچند المیزان به این‌موضوع تصریح نکرده است اما برآیند استدلال‌هایی که برای صحت یا نقد یک گزارش آورده است ما را به این مطلوب رهنمون می‌گردد که ایشان نه تنها گزاره‌های یقینی تاریخ را معتبر دانسته بلکه از آنها در جهت احراز صحت یا عدم‌صحت دیگر گزارشات و حتی مقدم‌توقمقدسی چون روایات استفاده کرده‌است. به‌طورمثال در رد ادعای استحباب روزه‌عاشورا می‌نویسد: «روزه همانطور که دیگران هم گفته‌اند یک عبادت عمومی و همگانی است، و اگر منظور از آیه شریفه آن بوده که اینان گفتند، قطعاً تاریخ آن را ضبط می‌کرد، و دیگر اختلافی در ثبوتش پدید نمی‌آمد و بهمین دلیل نسخ آن نیز ثابت می‌شد و کسی در آن اختلاف نمی‌کرد و می‌بینیم که اینطور نیست، و در هر دو قسمت اختلاف شدید هست». (همان، ذیل آیه ۱۸۵ بقره، ج ۲، ص ۴ به بعد).

۳. به‌طورمثال در مورد نزول تدریجی قرآن در بیست‌وسه‌سال المیزان به تاریخ تمسک نموده است و از آن به‌عنوان ابزاری کارآمد و علم‌آور بهره برده‌است؛ (نک: همان، ج ۲، ص ۱۵) همچنین در مورد استفاده المیزان از تاریخ در موضوع «زندگی زن قبل از اسلام». (نک: همان، ج ۲، ص ۲۶۱).

اولین همایش ملی

۲-۳-۱. روش گزینش علوم انسانه در حکمت معاصر

المیزان در بسیاری از مواقع به پیروی از روش قرآن، وقایع را به صورت بسیار مختصر و گاه قطعه قطعه و پراکنده بیان می کند. به عبارتی از قطعات یک گزارش و واقعه تاریخی برای پیشبرد هدف خویش - گاه همراه با تکرار در مواضع مختلف و متفاوت - استفاده می کند. بیشتر مواقع از جزئیات رخداد چشم پوشی می شود. به صورتی بسیار مختصر چرایی داستان را بیان می کند و بسیاری از موارد نیز به چرایی اشاره ندارد و کشف آن را به خواننده وامی گذارد. تحلیل ها بسیار صریح نبوده و گاه فقط به فرجام اشاره می کند و تحلیل را نیز به خواننده وامی گذارد. در این روش مخاطب محوری، نقش اساسی را دارد. به این معنا که؛ نیاز مخاطب را در نظر گرفته و فقط همان قطعه مورد نیاز، را نقل می نماید و از طرفی مخاطب را به فعالیت، تحلیل و نتیجه گیری وامی دارد و از مخاطب، مطالعه ای فعال و کنشگر را می طلبد.^۱

در دیدگاه المیزان، قرآن عظیم از تاریخ به عنوان ابزاری جهت معرفی و پیشبرد هدف های تربیتی و عبرت آموزی استفاده می کند. باتوجه به همین نکته، حوادث تاریخی در المیزان نیز به صورت وسیع و گسترده وارد نشده اما بلافاصله از همین جریان های موجز نتیجه گیری می کند.

گاه تحلیل همچون نتیجه ی ضمنی کار تاریخ نگار مطرح می شود، هر چند مخاطب در نگاه اولیه غافل از قصد تاریخ نگار از طرح تحلیل است؛ اما گزینش وقایعی خاص، ساختن پی رفتی از این وقایع و انتخاب شیوه ی ثبت آن ها و قرار دادن آن ها در شبکه ای منسجم و مربوط از مفاهیمی خاص، خواننده را به سوی همان تحلیل مورد نظر نگارنده، رهنمون می سازد و این نوع روش خاص نیز در گزارش وقایع تاریخی المیزان بسیار دیده می شود.

۲-۳-۲. هدفمندی گزارش ها

شیوه المیزان در تاریخ نگاری، وقایع نگاری صرف نیست. گزارش های تاریخی همه هدفمند بوده و با نگرشی خاص آمده است. از این رو، گاهی ترتیب تاریخی حوادث رعایت نمی شود و گاه یک حادثه که از نظر بیشتر مورخین، حادثه ی کم اهمیتی است، به تفصیل مورد بحث قرار می گیرد و با تحلیل های خاصی از زاویه های گوناگون بررسی می شود. یک نمونه، اجازه خواستن منافقان و برخی از مسلمانان سستایمان از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) برای شرکت نکردن در جنگ تبوک است که موضوع هشت آیه از سوره توبه است و المیزان به تحلیل آن پرداخته است (همان، ۲۷۸/۹-۲۹۱). در مقابل، گاهی یک حادثه فقط با یک اشاره گذرا مورد توجه قرار گرفته است و چه بسا برخی از حوادث که در کتاب های سیره و تاریخ به طور مفصل آمده، در المیزان هیچ از آن یاد نشده است.^۲ در بیان حوادث تاریخی به انگیزه ها و پیامدهای مادی آن بسنده نکرده، بلکه به آثار معنوی و اخروی نیز اشاره می کند. این امور نشانگر؛ پایبندی و توجه المیزان به معیارها و سنجه های تاریخ نگاری مانند هدف داری و کارآمدی است. المیزان با این روش، حوادث تاریخی را ابزار بیان معارف و احکام و پیگیری هدف های تربیتی و اخلاقی قرار داده است.

روش المیزان در تاریخ نگاری برخورد هدفمند و آگاهانه با وقایع و گزارش هاست. برخلاف دیگر مورخان که عدم قضاوت و بی تفاوتی را شرط لازم برای صحت گزارش و وقایع نگاری می دانند، المیزان در بیان رخدادها آشکارا قضاوت نموده و طرف حق را می ستاید و باطل را نفی می کند. این نگاه آگاهانه، نگاه ارزشی به وقایع تاریخی است و با نگاه ارزشی به علم تاریخ تفاوت ماهوی دارد. خلاصه آنکه از منظر المیزان بی هدفی در نقل تاریخ ناپسند و بیهوده است و گزینش هدفمند، پسندیده و ارزنده است.

۲-۳-۳. انتقال از گزارشی ناتمام به دیگر گزارش

۱. بطور مثال می توان به بیان المیزان در مورد داستان زندگی حضرت موسی (علیه السلام) اشاره کرد. (همان، ۴۱/۱۶-۴۳).
در مورد عنصر گزینش در این داستان فقط به بیان قسمتی از داستان زندگی موسی (علیه السلام) پرداخته که در نظراولیه یک مورخ هیچ امتیاز خاصی بر دیگر قسمت های داستان ندارد. این قسمت را هم به طور گزینشی و تکرار شده آورده است و تمامی عناصر تاریخی را در مورد گزارش آن رعایت نکرده و در نحوه بیان آن از روش خاص خود که بدان اشاره شد، بهره برده است.
۲. داستان ازدواج پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) با خدیجه کبری (سلام الله علیها) که فقط در المیزان ذیل آیه ۸ سوره ضحی (طباطبایی، ۳۱۱/۲۰) به آن اشاره شده است و یا داستان دیگر ازدواج های پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) با دیگر همسران ایشان از این موارد است.
۳. اعتبار توصیفی به دستی بالفعل یک گزارش آن طور که توسط محقق گزارش شده، اطلاق می شود. این گزارش باید بدون هیچ گونه قضاوت و جانب داری باشد. (نک: احمد محمدپور، ۱۹۹).

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



نزد مورخان از جهت روشی پسندیده نیست که گزارشی را ناتمام و یا ناقص، ارائه کرد؛ اما در مورد میزان این اتفاق بسیار افتاده است. که البته عنایت و خصوصیتی موردنظر است. میزان این عنایت و خصوصیت را این گونه تبیین می‌نمایند؛

هیچ مانعی نیست از این که در وسط نقل داستانی به داستان دیگری پرداخته شود و امثال آن در قرآن کریم بسیار است، آری اگر قرآن کریم کتابی تاریخی و رمانی مانند سایر رمان‌ها بود البته این انتقال به داستانی در خلال داستانی دیگر عیب شمرده می‌شد، ولیکن قرآن کریم کتاب هدایت و دلالت و حکمت است، از هر قضیه و هر اتفاقی که در ادوار گذشته رخ داده تنها آن قسمتش را نقل می‌کند که به کار هدایت بخورد (محمدپور، ۱۶۲).

از همین رو ایشان نیز به پیروی از روش قرآن در بسیاری از موارد از گزارشی به گزارش دیگر منتقل شده تا با تحلیل و تطبیق این رویدادها به هدف و کارآمدی تاریخ دست یابد.

۲-۳-۴. عدم ذکر جزئیات پیرامونی

المیزان در روش تاریخ‌نگاری اسلام به پیروی از روش قرآن در بسیاری از موارد، از ذکر جزئیات پیرامونی همچون تاریخ دقیق وقوع حادثه و یا محل و اوضاع طبیعی-اجتماعی و سیاسی نامربوط به هدف گزارش، اجتناب نموده است (طباطبایی، ۵۹/۱۶). ایشان برای تبیین این روش به قرآن استناد نموده و می‌فرمایند؛

هیچ جای قرآن دیده نمی‌شود که روز وقوع حادثه و تاریخ آن را ذکر نموده و یا از محل وقوع آن اسم برده و یا اوضاع طبیعی و اجتماعی و سیاسی مردمی را که تاریخ‌شان را ذکر می‌کند، روشن کرده باشد. این بی‌اعتنایی شاید به خاطر آن باشد که می‌خواهد طوری داستان را نقل کرده باشد، که نتیجه بهتری عاید شود و اما اینکه چرا قرآن مواد تاریخ و جزئیات داستان را نقل نمی‌کند، البته جهت و علتش روشن است و آن این است که قرآن کریم کتاب دعوت و هدایت است و در این رسالت و در هدفی که دارد، یک قدم راه را به طرف چیزهای دیگر، از قبیل تاریخ و یا رشته‌های دیگر کج نمی‌نماید، زیرا هدف قرآن تعلیم تاریخ و مسلکش، مسلک رمان‌نویسی نیست. هیچ کاری به این که فلانی پسر کیست و نسبش چیست و حوادث تاریخی مربوط به او در چه زمان و مکانی رخ داده است، نداشته و متعرض سایر مشخصاتی که یک تاریخ‌نویس یا رمان‌نویس، بی‌نیاز از ذکر آن نیست، نمی‌شود، چون تعرض به این گونه خصوصیات در هدف قرآن (هدایت) دخالت و تأثیر ندارد و برای مردم از نظر هدایت یکسان است (همان، ۱۶۷/۷-۱۶۸).

المیزان با استفاده از این روش، بسیاری از وقایع تاریخی را به اجمال و به‌دوراز تفصیل و جزئیات گزارش کرده است. با این توضیح که در نظر یک مورخ جزئیات، نقش اساسی در تحلیل و تاریخ‌نگاری صحیح دارد اما در منطق تاریخ‌نگاری میزان بین تحلیل تاریخی و تحلیل هدایتی تفاوت است.

۲-۳-۵. بیان قوانین کلی برگرفته از گزارش‌های تاریخی

المیزان در پس بسیاری از گزارش‌ها به سنت‌های حاکم بر تاریخ و عامل محرک آن و انگیزه اصلی پیدایش و زوال جامعه‌های انسانی می‌پردازد. ایشان به پیروی از روش قرآن و در موارد بسیاری با بهره‌برداری از پیام‌آیه، بعد یا قبل از ذکر حادثه‌ای تاریخی، قانون‌های کلی و قوانینی را که در همه جوامع جاری است از آن استخراج نموده و به‌صراحت یا اشاره متذکر شده است. به‌طورمثال ایشان به این قانون کلی اشاره کرده‌اند که؛ «بتلاء و فتنه‌ها از سنن جاری‌الهی برای هر امت است و ثبات و تسلیم در برابر سختی‌ها و فتنه‌ها که امت‌ها بدان مبتلا می‌گردند، تنها راه سعادت و موفقیت است». دیگر قانون کلی که ایشان در ذیل تفسیر آیه ۲۱۳ سوره بقره بدان اشاره کرده است؛ «تضعیف عدالت و تعاون اجتماعی توسط اربابان قدرت و ثروت در جامعه» آنجاکه می‌نویسد: هر جای دنیا که می‌بینیم انسانی قوت گرفت و از سایرین نیرومندتر شد در آنجا حکم عدالت اجتماعی و تعاون اجتماعی سست می‌شود، و قوی مراعات آن را در حق ضعیف نمی‌کند، و همه روزه شاهد رنج و محنتی هستیم که طبقه ضعیف دنیا از طبقه قوی تحمل می‌کند، تاریخ هم تا به امروز به همین منوال جریان یافته است. (همان، ۱۱۷/۲).

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



مثال دیگری که میزان خود برای قوانین کلی در تاریخ بدان اشاره کرده است؛ «عاقبت سوء نظامها و حکومت‌هایی است که بر اساس تکذیب و رویگردانی از خداوند شکل گرفته‌اند». میزان با اشاره به سرنوشت سوء شوروی و بلوک شرق می‌گوید: فروپاشی و اضمحلال شوروی از آنجا آغاز شد که رهبر فقید شوروی (استالین) در طول مدت حکومتش یعنی سی‌سال بعد از حکومت لنین، نظام اشتراکی را به نظام فردی و استبدادی منحرف کرد، و حتی در همین روزها هم وضع چنین است که اگر طایفه‌ای شیفته آن می‌شود، طایفه‌ای دیگر از آن بر می‌گردند و اگر جمعی به آن ایمان می‌آورند جمعی دیگر مرتد می‌شوند و این نظام هم‌چنان رو به گستردگی می‌رود، تاریخ از این قبیل نمونه‌ها زیاد دارد، قرآن کریم هم به این حقیقت اشاره نموده می‌فرماید: "قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ، فَمَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ"، و می‌فهماند که هر سنتی و نظامی که با تکذیب آیات خدا همراه بوده به عاقبتی پسندیده منتهی نشده است. (همان، ۹۸/۴-۹۹).

۴-۲. رویکردهای تاریخ‌نگاری

آنچه در ادامه سعی شده به آن پرداخته‌شود معرفی رویکردهای متفاوت منطق تاریخ‌نگاری اسلام در میزان است.

۲-۴-۱. کل‌نگری

این رویکرد در تقابل با رویکردی است که توجه و اهتمام به نقل تاریخ فرد یا افراد خاص دارد. در این رویکرد اهتمام به نقل تاریخ امت، اجتماع یا جامعه است. تمامی رویدادهای تاریخی لزوماً به زندگی کل جامعه مرتبط نمی‌شود یا با آن ارتباط مستقیم ندارند. واژه «تاریخ» شامل رویدادهایی که وابسته به «تاریخ‌خُرد» هستند نیز می‌شود (احمدی، ۱۲). اما در نوع تاریخ‌نگاری اسلام همه رویدادها و حتی تاریخ‌خُرد با روش و رویکردی بیان می‌شود که به تمام جامعه ارتباط داشته و در سعادت و شقاوت آن‌ها نقش دارد و باید برای جامعه دارای ویژگی‌هدف‌داری و کارآمدی باشد. میزان با اشاره به آیه ۴۷ سوره یونس به بحث از گونه‌های تاریخ‌نگاری خویش به تبعیت از قرآن پرداخته است. ایشان به‌ضرورت و جایگاه تاریخ‌نگاری اجتماعی اشاره کرده است و اهمیت و جایگاه اجتماع را در هدایت و هموارسازی مسیر آن مورد بحث و دقت قرار داده است. ایشان می‌نویسند؛

قرآن همان عنایتی را که به داستان اشخاص دارد، به داستان و تاریخ امت‌ها نیز دارد بلکه اعتنایش به تواریخ امت‌ها بیشتر است، در عصر نزول قرآن تاریخ‌نگاری فردی و خُرد رایج بود و تنها احوال پادشاهان و رؤسای امت‌ها نقل می‌شد و کمتر در صدد ضبط احوال امت‌ها و تواریخ جوامع بودند. شرح حال جوامع بعد از نزول قرآن باب شد، آن‌هم بعضی از مورخین مانند مسعودی و ابن‌خلدون متعرض آن شدند، تا آنکه تحول فکری اخیر در تاریخ‌نگاری پدیدار شد، و به‌جای پرداختن به شرح حال اشخاص، به شرح حال امت‌ها پرداختند (همان ۹۶/۴-۹۷).

رویکرد تاریخ‌نگاری اسلامی و میزان بر هدایت و تربیت است از این‌رو؛ به جامعه به عنوان بستر قدرتمند و کنشگر تربیتی، نگاه ویژه داشته و به تاریخ آن نیز اهمیت بیشتری می‌دهد؛ زیرا که تأثیر جامعه بر فرد بسیار بیشتر و قوی‌تر از تأثیر فرد بر جامعه است.

۲-۴-۲. رویکرد تحلیلی

به‌طور عمده تاریخ‌نگاران در نگارش تاریخ‌های اجتماعی و سیاسی سه کار انجام می‌دهند، یا دست‌کم از آنان انتظار می‌رود که به پرسش‌هایی پاسخ دهند که مرتبط به این سه می‌شود: (۱) برخی وقایع را که روی داده‌اند بازمی‌گویند و چگونگی آن وقایع را تشریح می‌کنند؛ (۲) می‌کوشند تا توضیح بدهند که آن وقایع چرا روی داده‌اند؛ (۳) در مواردی هم تلاش می‌کنند تا روشن کنند که آن وقایع به چه نتایجی منجر شده‌اند. بیش‌تر تاریخ‌نگاران درعین حال که رویدادها را بازمی‌گویند ناگزیر می‌شوند تا تحلیلی از آن‌ها را هم ارائه کنند، زیرا هرگونه توضیح چرایی و چگونگی وقایع، در حکم ارائه تحلیلی از آن‌هاست. این تحلیل بیشتر متوجه علت رویدادهای تاریخی و در گام بعد متوجه نتایج آن‌هاست. هم‌چنین در جریان تحلیل به قانون‌های تاریخی که پیش‌تر مطرح شده‌اند، توجه می‌شود و گاه بررسی تاریخی خود به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم منجر به طرح قانون‌های جدید می‌شود (احمدی، ۱۶).

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



اما در منطق تاریخ‌نگاری اسلام در میزان این مراحل و روش پرداختن به گزارش‌های تاریخی باتوجه به اهداف تربیتی و هدایتی طراحی شده که با دیگر منابع تاریخی متداول متفاوت است. نقد و تصحیح گزارش‌های تاریخ‌نگاری بشری با تحلیل گزارش‌ها^۱ و یا به کمک گزارش‌های الهی و قرآنی از ویژگی‌های وقایع‌نگاری میزان است.^۲ مثال آن در مورد نقد و تصحیح گزارش‌هایی است که در کتب مقدس

۱. نمونه‌ای از رویکرد تحلیلی میزان به تاریخ را در بحث ایشان از تاریخ‌نسل کنونی بشر می‌توان دید؛ «چه‌بسا گفته‌باشند که اختلاف رنگ پوست بدن انسانها حکم می‌کند به این‌که هر یک از این نسل‌ها به مبدئی منتهی شود که غیر از مبدأ آن دیگری است، بنابراین مبدأ مجموع افراد بشر نمی‌تواند کمتر از چهارنوع زن و شوهر باشد چراکه چهارنوع رنگ بیشتر وجود ندارد. و چه‌بسا بر نظریه خود استدلال نیز کرده‌باشند به این‌که: همه‌می‌دانیم قاره آمریکا در قرون اخیر کشف شد، و وقتی کشف شد سرخ‌پوستان آنجا بودند، باین‌که همه‌می‌دانیم سرخ‌پوستان هیچ ارتباط و اتصالی با سایر سکنه دنیا نداشتند و نمی‌شود احتمال داد که ساکنان نیم‌کره شرقی دنیا با فاصله بسیار زیادی که با آنان داشتند ریشه و منشأ واحدی داشته باشند و همه به پدر و مادر واحدی منتهی شوند، و لیکن هر دو دلیل علیل و محل خدشه است. اما مساله اختلاف رنگ‌ها هیچ دلالتی بر نظریه آنان ندارد، برای این‌که بحث‌های طبیعی امروز اساس خود را بر این پایه نهاده که انواع کائنات در حال تطور و تحولند و با چنین مبنایی چگونه اطمینان پیدا می‌شود به این‌که اختلاف‌رنگها مستند به تطور در این نوع نباشد؟ و اما مساله وجود انسان‌های سرخ‌پوست در ماورای بحار باین‌که همین طبیعی دانان می‌گویند که تاریخ بشریت از میلیون‌ها سال تجاوز می‌کند هیچ چیزی را اثبات نمی‌کند، این تاریخ‌نقلی است که عمر بشر را، شش هزار سال و اندی می‌داند، و وقتی مطلب از این قرار باشد چه مانعی دارد که در قرون قبل از تاریخ حوادثی رخ داده‌باشد و قاره آمریکا را از سایر قاره‌ها جدا کرده‌باشد، هم‌چنان‌که آثار باستانی ارضی بسیاری دلالت دارد بر این‌که دگرگونی‌های بسیاری در اثر مرور زمان در سطح کره زمین رخ داده، دگرگونی‌هایی که علوم طبقات الارض و هیات و جغرافیا آن را شرح داده‌است، و باین حرف‌ها و نظریه‌ها دیگر دلیلی باقی نمی‌ماند مگر صرف استبعاد این‌که آمریکایی سرخ‌پوست، با چینی زردپوست در والدین مشترک باشند. و اما قرآن ظاهر قریب به صریحش این است که نسل حاضر از انسان از طرف پدر و مادر منتهی می‌شود به یک پدر (به نام آدم) و یک مادر (که در روایات و در تورات به نام حوا آمده) و این دو تن، پدر و مادر تمامی افراد انسان است، هم‌چنان‌که آیات زیر بر این معنا دلالت می‌کند: «وَ بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِن طِينٍ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِن سُلَالَةٍ مِّن مَّاءٍ مَّهِينٍ» (همان، ۱۴۱/۴-۱۴۲).

۲. میزان با کمک از گزارش‌های قرآن به نقد و تصحیح تحلیل طبری در مورد مذبح بودن اسحاق پرداخته‌است. او در این خصوص چنین نوشته است؛ «طبری در تاریخ خود می‌گوید: علمای پیشین اسلام اختلاف کرده‌اند در این‌که آن فرزندی که ابراهیم (علیه السلام) مامور به قربان کردن او شد کدام یک از دو فرزندش بوده، بعضی گفته‌اند اسحاق و بعضی دیگر اسماعیل، و بر طبق هر دو قول از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نیز روایت وارد شده. و ما اگر در بین این دو دسته روایات یک‌دسته را صحیح می‌دانستیم البته بر طبق همان حکم می‌کردیم و لیکن روایات، هیچ‌کدام بر دیگری از جهت سند ترجیح ندارد، لذا ناگزیر بر طبق آن روایاتی حکم می‌کنیم که موافق با قرآن است، و آن روایاتی است که می‌گوید: فرزند نامبرده، اسحاق بوده، چون قرآن دلالتش بر صحت این دسته از روایات روشن‌تر است، و این قول بهتر از قرآن استفاده می‌شود. طبری رشته کلام را ادامه داده تا آنجا که می‌گوید: اما اینکه گفتیم دلالت قرآن بر صحت این دسته از روایات روشن‌تر است برای این بود که قرآن پس از ذکر دعای ابراهیم (علیه السلام) در موقع بیرون شدن از میان قوم خود با ساره به سوی شام، می‌فرماید: «إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهْدِينِ رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ» و این دعا قبل از آن بود که اصلا به هاجر بر خورد کند، و از او فرزندی به نام اسماعیل به وجود آید. آن‌گاه دنبال این دعا اجابت دعایش را ذکر می‌کند، و او را به وجود غلامی حلیم بشارت می‌دهد- و سپس مساله خواب دیدن ابراهیم (ع) مبنی بر این‌که همین غلام را پس از رسیدن به حد رشد ذبح می‌کند بیان می‌فرماید.

و از آنجایی که در قرآن کریم بشارت به فرزند دیگری به ابراهیم داده‌نشده، و در پاره‌ای از آیات مانند آیه «وَ امْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَتَبَسَّرْنَا نَهَا بِاسْحَاقَ وَ مِنْ وَّرَاءِ اسْحَاقَ يَعْقُوبَ» «هود/۷۱» و آیه «فَاَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ وَ بَشَّرُوهُ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ فَأَقْبَلَتْ امْرَأَتُهُ فِي صِرَةٍ فَاَصْبَحَتْ وَ جِهَهَا وَ قَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ». «ذاریات/۲۹» صراحتاً بشارت را درباره ولادت اسحاق ذکر می‌کند ناگزیر باید هر جا بشارت دیگری در این باره دیده‌شد حمل بر ولادت همین فرزند کنیم.

آن‌گاه می‌گوید: کسی اشکال نکند به این‌که این ادعا با بشارت تولد اسحاق از ابراهیم (علیه السلام) و تولد یعقوب از اسحاق نمی‌سازد، و چون بشارت تولد اسحاق توأم با بشارت به تولد یعقوب ذکر شده پس فرزند مورد بحث اسماعیل بوده، برای اینکه صرف توأم ذکر شدن این دو بشارت دلیل بر این نیست که فرزند مورد بحث اسماعیل بوده، ممکن است اسحاق بوده، و یعقوب قبل از جریان قربانی شدن از اسحاق به دنیا آمده باشد، و اسحاق پس از تولد یعقوب به حد سعی رسیده باشد.

و نیز کسی اشکال نکند به این‌که اگر مقصود از فرزند مورد بحث اسحاق باشد به‌طور مسلم این جریان در غیر کعبه رخ می‌داد، و حال آن‌که در روایات دارد ابراهیم (ع) دید که قوچی به خانه کعبه بسته شده برای این‌که ممکن است قوچ را از شام به مکه آورده و به خانه خدا بسته‌باشند.

این بود کلام طبری در پیرامون این بحث، و عجیب اینجاست که چطور متوجه این نکته نشده که ابراهیم (علیه السلام) در موقع مهاجرتش به شام تنها از خدا فرزند صالحی خواست، و قید نکرد که این فرزند صالح از ساره باشد یا از غیر او، و باین حال هیچ اجباری نیست به این‌که ما بشارت بعد از این دعا را بشارت بر ولادت اسحاق از ساره بدانیم. این‌هم که گفت: "چون در چند مورد بشارت به فرزند، بشارت به ولادت اسحاق است پس باید هر جا دیگر قرآن بشارت به فرزند به ابراهیم دیدیم حمل بر

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir

یهود و مسیحیت آمده، مانند رد مصلوب شدن حضرت عیسی (علیه السلام) که قرآن آن را مردود دانسته است و میزان نیز به پیروی

و با تکیه بر گزارش‌های قرآن به رد و نقد آن می‌پردازد (طباطبایی، ۱۳۳/۵).

۲-۴-۳. رویکرد تطبیقی

در دیدگاه میزان تاریخ قابل تکرار است از همین رو در بسیاری از موارد در تاریخ‌نگاری اسلام به تطبیق تاریخ قبل از اسلام و به خصوص بنی اسرائیل، به تاریخ اسلام پرداخته است.

المیزان در این مورد در تفسیر آیه ۲۱۴ سوره بقره اشاره کرده‌اند؛ سنت الهی در میان امم گذشته در بین امت اسلام تکرار خواهد شد و مسأله ابتلا و امتحان در امت اسلام نیز جریان دارد، و این سنت همیشگی است. و نیز دلالت دارد بر این که مثل و وصف امتهای گذشته عینا تکرار می‌شود، آنچه بر سر امت‌های گذشته رفته است بر امت اسلام نیز خواهد رفت، و این همان است که نامش را تکرار تاریخ و یا عود آن می‌گذاریم.» (همان، ۱۶۰/۲)

رویکرد تطبیقی قائل به تکرار وقایع نه به صورت صددرصدی بلکه گاه با اجمال و گاه با تفصیل، اما با حفظ فاکتورهای اصلی در هر دو رویداد است. این رویکرد در منطق تاریخ‌نگاری اسلام و تحلیل‌های آن بسیار پررنگ بوده است. در میزان به این رویکرد توجه ویژه‌ای شده است زیرا که متون مقدسی چون قرآن و روایات نیز به این رویکرد توجه داشته‌اند و میزان نیز به تبع آنها از این رویکرد در منطق تاریخ‌نگاری خویش بهره برده است.^۱

در مجموع رویکرد اساسی میزان در تاریخ‌نگاری با تبعیت از قرآن رویکردی تربیتی و هدایتی است. در همین راستا میزان از رویکردهای اجتماعی، تحلیلی و تطبیقی نیز بهره برده است. این رویکردها در قالب استفاده از روش‌های بحث شده در قبل به منطق تاریخ‌نگاری اسلام در میزان کارآمدی و اعتباری ویژه بخشیده است.

نتیجه‌گیری

پژوهش پیشرو با مفروض گرفتن تاریخ‌نگاری اسلام توسط میزان سعی در معرفی منطق آن داشت. منطق تاریخ‌نگاری اسلام در دیدگاه میزان، عبارت است از روش‌ها، معیارها و سنجه‌هایی که مراعات آن‌ها، از خطای در مسیر تاریخ‌نگاری جلوگیری می‌کند. این

ولادت اسحاق کنیم" صرف نظر از اشکالی که در خود آن موارد هست اصولاً این حرف قیاس بدون دلیل است، بلکه نه تنها دلیلی بر صحت آن نیست، دلیل بر خلافش هم هست، و آن این که در آیات مورد بحث بعد از آنکه خداوند ابراهیم را به وجود فرزندی بشارت می‌دهد، و سپس مسأله ذبح را ذکر می‌کند، مجدداً بشارت دیگری به تولد اسحاق می‌دهد، و باین حال هر کسی می‌فهمد که بشارت اولی مربوط به تولد فرزند دیگری غیر اسحاق بوده، والا حاجتی به ذکر بشارت دومی نبود. و از آنجایی که علمای حدیث و تاریخ اتفاق دارند بر این که اسماعیل قبل از اسحاق به دنیا آمده ناگزیر باید گفت آن بشارتی هم که قبل از بشارت ولادت اسحاق و قبل از مسأله ذبح ذکر شده بشارت به تولد اسماعیل است. (همان، ۲۳۲/۷-۲۳۴).

۱. نمونه‌ای از رویکرد تطبیقی میزان که به صورت بسیار کلی است؛

فراعنه مصر و قیصرهای روم، و کسراهای فارس، اگر ظلم می‌کردند، اگر زور می‌گفتند، اگر با سرنوشت مردم بازی نموده به دلخواه خود در آن عمل می‌کردند، تنها در رعیت خود می‌کردند و احیاناً اگر مورد سؤال قرار می‌گرفتند، - البته اگر - در پاسخ عذر می‌آوردند که این ظلم و زورها لازمه سلطنت کردن و تنظیم امور مملکت است، اگر به یکی ظلم می‌شود برای این است که مصلحت عموم تامین شود و اگر جز این باشد سیاست دولت در مملکت حاکم نمی‌گردد و شخص امپراطور معتقد بود که نبوغ و سیاست و سروری که او دارد، این حق را به او داده و احیاناً هم بجای این عذرها با شمشیر خود استدلال می‌کرد.

امروز هم اگر در روابطی که بین ابرقدرت‌ها و ملت‌های ضعیف برقرار است دقت کنیم، می‌بینیم که تاریخ و حوادث آن درست برای عصر ما تکرار شده و باز هم تکرار می‌شود، چیزی که هست شکل سابقش عوض شده، چون گفتیم که در سابق ظلم و زورها بر تک‌تک افراد اعمال می‌شد. ولی امروز به حق اجتماع‌ها اعمال می‌شود که در عین حال روح همان روح، و هوا همان هوا است. اما طریقه و رژیم اسلام منزه از این گونه هواهاست، دلیل روشنش سیره رسول خدا در فتوحات و پیمان‌هایی است که آن جناب با ملل مغلوب داشته است. یکی دیگر از تفاوت‌ها که بین رژیم‌های به اصطلاح دموکراسی و بین حکومت اسلامی هست این است که تا آنجا که تاریخ نشان داده و خود به چشم می‌بینیم، هیچ‌یک از این رژیم‌های غیراسلامی خالی از اختلاف فاحش طبقاتی نیست، جامعه این رژیم‌ها را دو طبقه تشکیل می‌دهد، یکی طبقه مرفه و ثروتمند و صاحب جاه و مقام و طبقه دیگر فقیر و بینوا و دور از مقام و جاه و این اختلاف طبقاتی بالاخره منجر به فساد می‌گردد. (همان، ۱۰۳/۴-۱۰۷).

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



مبحث در دو بخش معیارها و روش‌ها بازخوانی گردید. هدف‌داری، اعتبارسنجی و کارآمدی مهم‌ترین معیارها و سنجه‌های منطق تاریخ‌نگاری اسلام در دیدگاه‌المیزان است. روش‌های گزینش، هدفمندی گزارش‌ها، انتقال و عدم ذکر جزئیات؛ از مهم‌ترین و متفاوت‌ترین روش‌های تاریخ‌نگاری است که مرحوم علامه از آن‌ها بهره برده‌است. رویکردهای متفاوتی چون رویکرد تحلیلی، رویکرد تطبیقی و کلی‌نگری در تاریخ‌نگاری اسلام توسط المیزان مورد استفاده قرار گرفته‌است. لازم به یادآوری است که تمامی این روش‌ها و رویکردها برگرفته از قرآن کریم است و المیزان به‌عنوان تفسیر و پیرو قرآن سعی در تبیین و استفاده از آن‌ها داشته‌است.

منابع و مأخذ

۱. اتکینسون، آراف، استنفورد مایکل، و دیگران، *فلسفه تاریخ روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری*، ترجمه حسینعلی نودری، طرح‌نو، تهران، ۱۳۷۸.
۲. احمدی، بابک، *رساله‌ی تاریخ جستاری در هرمنوتیک تاریخ*، نشر مرکز، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۳. استنفورد، مایکل، *درآمدی بر فلسفه تاریخ*، ترجمه احمد گل محمدی، تهران، نشر نی، بی تا.
۴. العروی، عبدالله، *مفهوم‌التاریخ*، مرکز الثقافی العربی، بیروت، چاپ سوم، ۱۹۹۷م.
۵. جعفری، یعقوب، *تاریخ اسلام از منظر قرآن*، دفتر نشر معارف، قم، چاپ چهارم، ۱۳۸۹.
۶. جنکینز، کیت، *بازاندیشی تاریخ*، ترجمه حسینعلی نودری، آگه، تهران، ۱۳۸۷.
۷. رضایی اصفهانی، محمدعلی، *درس‌نامه روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن*، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۸. زبیدی، محمد بن محمد مرتضی، *تاج العروس*، دارالفکر، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۹. سلیمانی، جواد، *فلسفه تاریخ*، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، قم، ۱۳۹۲.

اولین همایش ملی

علوم انسانی در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

۱۰. علامه طباطبایی، سید محمدحسین، دفتر انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین، قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.

۱۱. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، *قاموس المحيط*، دارالکتب العلمیه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.

۱۲. محمدپور، احمد، *روش تحقیق کیفی*، تهران، چاپ دوم، انتشارات جامعه‌شناسان، ۱۳۹۲. hcwconf.ir



۱۳. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، دارالکتب العلمیه، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۳۰ ق.

۱۴. مصباح‌یزدی، محمدتقی، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، سازمان تبلیغات اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۳۷۸.

مقالات

۱. میرزامحمد مهربانی، بینش تاریخی شهیدصدر، کلید شناخت فلسفه تاریخ در قرآن، *ناله مفید*، سال سوم-شماره دوم، تابستان ۱۳۷۶، شماره پیاپی دهم، ۲۲۳-۲۳۶.

۲. معادیکخواه، عبدالمجید تاریخ و فلسفه تاریخ در قرآن، *فصلنامه یاد*، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران، شماره بیست و چهارم-سی و ششم، سال ششم-سال نهم، تابستان ۱۳۷۰- زمستان ۱۳۷۳.